

پدید آورنده : هادی حسین خانی (کارشناس ارشد علوم تربیتی) ، صفحه 12

اصل مشارکت سیاسی بانوان

قرآن کریم با بیان نمونه هایی از حضور سیاسی بانوان در صحنه اجتماع، افزون بر آن که بر این حضور صحنه گذارده، از این گونه فعالیت‌های آنان تجلیل نیز به عمل آورده است. این نمونه ها همچنان که شامل پایین ترین سطوح مشارکت سیاسی می شود، امتداد آن به حضور در حساس ترین و سرنوشت سازترین صحنه های سیاسی نیز خواهد رسید. در این نوشتار، به مراتب مختلف مشارکت سیاسی بانوان با توجه به تربیت الگویی قرآن کریم در ابعاد سیاسی اشاره می شود.

مشارکت عملی در امور سیاسی

از مشارکت این مرتبه خود دارای مراحل است که در اینجا به مراحل سه گانه آن با توجه به نمونه های قرآنی اشاره می شود:

دعا برای رهایی از سلطه جائر

مسلمانان مظلوم و مستضعف مکه برای رهایی از ستمی که از سوی مشرکان قریش بر آنان حاکم بود، به درگاه خداوند متعال استغاثه نمودند و با این درخواست، اولین مرحله از مشارکت عملی بانوان در صحنه های سیاسی را به منصف ظهور رساندند و خداوند نیز با فرو فرستادن آیه 75 سوره نساء و تحریض مسلمانان به جهاد در راه خدا و آزاد سازی آنان، از این مشارکت استقبال و زمینه اجابت دعای ایشان را فراهم ساخت:

(وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)

«و چرا در راه خدا و در راه [آزادسازی] مردان و زنان و کودکان مستضعف که می گویند پروردگارا ما را از این شهری که اهلش ستمگرند خارج فرما و از سوی خویش برای ما یار و یاورى بگمار، کارزار نمی کنید؟»

آنان برای آن که پیوند سیاست و دیانت را در نگرش خود به اثبات رسانند، به جای آن که فریاد بزنند که ای مردم با مروت، و یا ای قوم و یا ای بستگان و یا ای کسانی که خود را مرد می دانید، به فریاد ما برسید، با زیباترین لفظ به جای مردم، پروردگار خود را خوانده و عرضه داشتند: پروردگارا! ما را از این قریه که اهلش ستمکارند بیرون کن. آن گاه به طور اشاره عرض کردند: خدایا به دست رسالت و مؤمنان به وی که در راه تو جهاد می کنند، ما را نجات بده.

از این درخواست فهمیده می شود که از خدا، تمنای ولی و یاورى کردند، اما راضی نشدند خود آن ولی را صدا بزنند، بلکه از پروردگارشان خواستند ولی و نصیری به یاری شان بفرستد. در اینجا ممکن است این شبهه مطرح گردد که صرف دعا و خواستن، نمی تواند نمودی از مشارکت عملی به شمار آید و حتی اگر آن

را نوعی از مشارکت سیاسی به حساب آوریم، از اهمیت چندانی برخوردار نخواهد بود. در پاسخ این شبهه باید گفت: نخست این که، این گروه از زنان و مردان و کودکان تنها با دعا به دنبال نتیجه نبودند، بلکه آمادگی هرگونه رویارویی و جنگی را داشتند، از این رو در دعای خود از خدا طلب ولیّ و نصیر کردند. در واقع این گروه، تحت فشار شدید مشرکان از هیچ وسیله ای برای دفاع برخوردار نبودند؛ از این رو، تنها راه نجات را در پناه بردن به پناهگاه امن الهی و جنگیدن در رکاب فرماندهی که خداوند برایشان مقرر کند، می‌جستند.

دوم این که خداوند با نازل کردن این آیه، از دعای این گروه مستضعف به نیکی یاد کرده و مسلمانان را به جهاد در راه دفاع از آنان فرا خواند.

سوم این که، خداوند از دعای مستضعفان برای آزادی خود آن چنان خشنود است که صاحب چنین دعای خالصانه ای را الگوی مردان و زنان با ایمان معرفی کرده است. (نک: تحریم /11)

درایت سیاسی

در قرآن کریم جلوه های زیادی از هوشمندی و فراست سیاسی بانوان ترسیم شده که در این جا به نمونه هایی از آن می پردازیم.

همزمان با آن که مادر موسی (علیه السلام) فرزندش را در آب نیل رها کرد، برای مراقبت لحظه به لحظه از موسی (علیه السلام) خواهرش را به دنبال او فرستاد. این دختر باکیاست، به صورت شایسته ای مأموریت خود را انجام داد و با درایت خاصی که از خود نشان داد، سبب شد تا خداوند، موسی را به آغوش مادرش باز گرداند. اولین نمود هوشمندی سیاسی وی آن بود که موسی را دورادور تعقیب می کرد تا کسی متوجه ارتباط او با موسی نشود.

پس از آن که اصحاب فرعون، موسی (علیه السلام) را از آب گرفته و فرعون با میانجی گری همسرش از کشتن او صرف نظر کرد، زنان متعددی را برای شیر دادن وی احضار کردند، ولی موسی (علیه السلام) از سینه هیچ یک شیر ننوشید تا آن که فرعون به شدت محزون گشت. خواهر موسی که در تمام مسیر و در طی این مدت طولانی به دنبال موقعیت مناسبی بود، شرایط را آماده دید و گفت:

«آیا شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که نگهداری او را برای شما بپذیرند و خیرخواه او باشند.»

در این هنگام فرعون گفت: آری، و به دنبال مادر موسی فرستادند. شاید اگر خواهر موسی قدری عجله می کرد و بی پروا سخن می گفت، ارتباط وی با ماجرا روشن می شد یا کسی به حرف او اعتنا نمی کرد. از این رو در سخن گفتن خود، دقت بسیار به خرج داد تا ماجرا افشا نشود. او نگفت: من می توانم شما را به مادرش راهنمایی کنم، و حتی از هر گونه سخن دیگری که در آنها ایجاد حساسیت کند، اجتناب نمود و تنها گفت: آیا شما را به خانواده ای که خیرخواه او باشند و او را نگه داری کنند، راهنمایی کنم؟

حساسیت اصحاب فرعون در مورد این موضوع به اندازه ای زیاد بود که حتی با گفتن این جمله نیز در پی کشف مسئله بر آمدند؛ زیرا «هامان»، وزیر فرعون هنگامی که این سخنان را از خواهر موسی شنید، گفت: این زن می داند که این

فرزند متعلق به چه خانواده ای است؛ زیرا او گفت آن خانواده ناصح و خیرخواه او هستند. اما این دختر هوشمند به آنها گفت: منظورم آن بود که آن خانواده خیرخواه ملک [فرعون] هستند! اینجا بود که سخن او را پذیرفته و بدون آن که بویی از ماجرا ببرند، او را به دنبال مادر موسی فرستادند.

استقبال از خطر

اوج مشارکت سیاسی بانوان در وجود حضرت فاطمه (سلام الله علیها) جلوه گر شده است؛ زیرا او در حساس ترین صحنه مبارزه سیاسی و اعتقادی، رسول خدا را تنها نگذاشت و با شرکت در عرصه سرنوشت ساز مباحله، آمادگی خود را در استقبال از هر خطری برای حفظ کیان دین و پشتیبانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به اثبات رساند؛ از این رو، در آیه شریفه از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعبیر به انفس و نساء و ابناء شده و از بین همه مردان و زنان و فرزندان، تنها علی، فاطمه و حسنین (علیهم السلام) جان رسول خدا، زن منتسب به رسول خدا و فرزندان رسول خدا خوانده شده اند.

مشارکت سیاسی بانوان به عنوان عضوی از امت

قرآن کریم حضور سیاسی بانوان را در نقش امت به دو گونه ترسیم نموده است:

در بخشی، الگوهای مثبت مشارکت سیاسی را به نمایش گذارده و زنان را به انجام چنین مشارکتی ترغیب نموده و در بخش دیگر، به تشریح عملکرد نادرست الگوهای منفی پرداخته و با اعلام نارضایتی خود از این گونه رفتار سیاسی، زنان را از انجام چنین حرکاتی باز داشته است.

الگوی مثبت مشارکت سیاسی بانوان

الف. مشارکت بانوان در پایه گذاری حکومت الهی

بانوان مؤمن برای برقراری حکومت عدل و رهایی از چنگال ظالمان و ستمگران، از خداوند درخواست رهبر و نیروی انسانی کردند و از آن جا که برای براندازی حکومت ظالم و ایجاد حکومت عدل گستر، پیش از هر چیز، رهبر و سرپرست شایسته و دلسوز و سپس یار و یاور و نفرات کافی لازم است، در درخواست خود از خدا، ابتدا به رهبر و سپس به یاور و نیروی انسانی اشاره نمودند:

(وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوُلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)

آنان در طلب ولی و نصیر از خدا قید «من لدنک» را اضافه کرده و با آن، ویژگی رهبر و یاور مورد درخواست خود را الهی بودن او بیانی داشتند.

نمونه دیگر ایفای نقش را می توان در تلاش فراوان مادر و خواهر موسی (علیه السلام) در مراقبت از جان او مشاهده کرد. ب. مشارکت بانوان در استمرار حکومت الهی

یکی از زنان نمونه ای که هم در ایجاد حکومت الهی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و هم در استحکام و استمرار آن بسیار نقش داشت، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همسر وفادار آن حضرت بود. او در زمانی که پیامبر از نظر مالی بسیار تحت فشار بود، دارایی سرشار خود را صرف هدف و راه رسول خدا نموده تا پای جان نیز از آن حضرت دفاع کرد. قرآن کریم نیز با اشاره به حمایت مالی خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) این مطلب را تأیید می کند که خداوند مال خدیجه را سبب نصرت و یاری مادی او در راه برقراری و تثبیت حکومت الهی قرار داد.

هم چنین زنان در صدر اسلام دوشادوش مردان، با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیعت می کردند و با این بیعت، پیمان می بستند که به آنچه پیغمبر فرموده است، عمل و یا پیمان می بستند که از آن حضرت پشتیبانی کنند. تشریفات بیعت چنین بود که پیامبر دستور فرمودند تا ظرفی پر از آب آوردند، مقداری عطر در آن ریختند، سپس حضرت دست خود را میان آن ظرف گذاردند و آیه ای که مواد این پیمان را در بر داشت، تلاوت کردند، آن گاه از جای خود برخاستند و به زنان فرمودند: «هر کس حاضر است با شرایط یاد شده، با من بیعت کند، دست در میان ظرف آب کرده و به طور رسمی، وفاداری خود را به مواد این پیمان اعلام کند.»

قرآن کریم مواد این پیمان را این گونه بیان می کند:

«ای پیامبر! وقتی که زنان مؤمن می آیند تا با تو بیعت کنند که هرگز شرک به خدا نیاورند، سرقت و زنا نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و بر کسی افترا و بهتان نیندند و فرزند را به دیگری نسبت ندهند و با تو در امر نیک و معروفی مخالفت نکنند؛ با این شرایط با آنها بیعت کن و برایشان از خدا، غفران طلب نما. (ممتحنه / 13)

زنان با این شرایط، با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیعت کردند و البته پیشاهنگ این حرکت مبارک، «فاطمه بنت اسد»، مادر حضرت علی (علیه السلام) بود. دقت در محتوای این پیمان نشان می دهد که مواد بیعت، جنبه اختصاصی برای زنان نداشته است، بلکه این مواد از وظایف و تعهدات مشترک زنان و مردان مسلمان است، همچون: نفی شرک، دوری از سرقت و زنا و تعهد بر پیروی از دستورهای پیامبر. بنابراین، بیعت پیامبر با زنان، همان پیمانی بوده است که حضرت در گذشته با مردان نیز داشته اند و مفاد آن تغییری نداشته است.

الگوی منفی مشارکت سیاسی بانوان

قرآن کریم، هم چنان که در پی آن است تا پای زنان را به شرکت در صحنه های مهم سیاسی باز کند، به دنبال آن است که آنان را از بیراهه رفتن باز داشته و با بیان سرگذشت تلخ زنانی که از بصیرت لازم برای اتخاذ خط مشی سیاسی برخوردار نبوده و به جای بهره بردن خود و جامعه از دخالتشان در سیاست، آسیب های جدی به بار آورده اند، بانوان را به عبرت آموزی از آن و آگاهی و تشخیص درست شرایط سیاسی فرا خوانده و از هر گونه حرکت نسنجیده و خالی از آگاهی لازم بر حذر داشته است.

نمونه بارز جهالت سیاسی را می توان در مخالفت با رهبران الهی و دستورهای آنان مشاهده کرد. این گونه مخالفتها که در قالبهای گوناگونی صورت گرفته است، بیشتر در جهت تضعیف و تزلزل پایه های حکومت الهی اعمال شده است که در این جا به بررسی آن می پردازیم.

خیانت به ولی خدا

از مشخصات بارز زنانی که در قرآن از حضور سیاسی آنان به بدی یاد شده، خیانت آنها به اولیای الهی و افشای راز آنان برای دشمنان و مخالفان است. قرآن کریم برای این خیانت آشکار، نمونه های متعددی بیان کرده که به بعضی از آنها اشاره می شود.

الف. همسر نوح

قرآن کریم در تشریح رفتار ناشایست همسر نوح، او را به خیانت به نوح متهم ساخته است:

خداوند درباره کافران مثلی می زند، و آن همسر نوح است و همسر لوط که در حباله دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به ایشان خیانت کردند... (تحریم /10)

در مورد خیانت همسر نوح گفته شده که او آن ولی خدا را «مجنون» می خواند و به وسیله ارتباطی که با ستمگران زمان نوح داشت، آنان را از ایمان کسانی که به نوح ایمان آورده بودند، آگاه می ساخت و ستمگران نیز آنان را دچار فتنه کرده و یا به قتل می رساندند.

ب. همسر لوط

قرآن کریم در آیه 10 سوره تحریم، همسر لوط را نیز خائن به آن بنده شایسته الهی معرفی کرده است. خیانت آن زن نیز چنین بوده که هرگاه مهمانی بر لوط وارد می شد، مردم را از آمدن او آگاه می کرد. نحوه اطلاع رسانی او نیز این گونه بوده است که با دست زدن و یا برپا کردن دود در روز و روشن کردن آتش در شب بر روی بام، ورود مهمانان به خانه همسرش را خبر می داد و در این هنگام، مردان فاسد قوم لوط برای انجام عمل زشت هم جنس بازی به سوی خانه لوط سرازیر می شدند. در آخرین مورد نیز هنگامی که جبرئیل و فرشتگان برای عذاب قوم لوط وارد منزل او شدند، وی به همسرش گفت که این راز را پوشیده دارد و او نیز نپذیرفت، اما با روشن کردن آتش بر بام، مردم را آگاه کرد و به سوی خانه لوط فرا خواند. او هنگامی که مردم را دید، به آنها گفت: افرادی به منزل ما آمده اند که تاکنون به زیبارویی و خوش لباسی و خوشبویی آنها ندیده ام و با گفتن این کلمات آنان را به انجام این کار ناشایست تحریک نمود.

ج. همسر ابی لهب

قرآن کریم، ام جمیل، همسر ابولهب را «حمالة الحطب»؛ (آتش افروز معرکه) یاد کرده است. او علیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سخن چینی می کرد و احادیث و سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را برای کفار می برد.

پی نوشت ها :

1. تفسیر المیزان، ج 4، ص 673.
2. ر.ک: سوره تحریم (66) آیه 11.
3. ر.ک: سوره قصص (28) آیه 11.
4. در روایت آمده که سه روز طول کشید تا موسی (علیه السلام) به مادرش باز گردانده شد (تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 379).
5. همان.
6. مجمع البیان، ج 4، ص 381.
7. آل عمران / 61.
8. تفسیر نمونه، ج 4، ص 11.
9. سوره نساء (4) آیه 75.
10. سوره ضحی (93) آیه 8.
11. ضبطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، مصر، مطبعة مصطفى البابي و اولاده، 1350 ق، ج 13، ص 206.
12. هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپخانه آفتاب، ج 4، ص 326.
13. همان.
14. سوره تحریم (66) آیه 10.
15. تفسیر کشف الاسرار، ج 10، ص 161.
16. از امام صادق (علیه السلام) در مورد شیوه اطلاع رسانی همسر لوط سؤال شد. آن حضرت فرمود: وی از خانه خارج می شد و دست می زد و آنان با شنیدن صدای کف می آمدند. به همین دلیل، کف زدن مکروه دانسته شده است (تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 376).
17. تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 686.
18. همان، ص 687.
19. تفسیر کبیر، ج 18، ص 27.
20. سوره مسد (111) آیه 4.
21. تفسیر قمی، ج 2، ص 448.